

## رویدادهای ایران

# نطق فرمانده سپاه پاسداران، را چه کسی نوشت و بدستش داد؟

\*بخش دوم سخنان فرمانده سپاه پاسداران که در مطبوعات منعکس نشده، همان اندازه دارای اهمیت است، که بخش افشاء شده آن!

سخنرانی جنرال برانگیز فرمانده سپاه پاسداران، در جمع فرماندهان نیروی دریایی، که در شهر قم برپا شده بود، موجی از افشاگری‌ها و موضع‌گیری‌ها را، بدنبال آورد. سخنان سردار سرلشکر رحیم صفوی شامل دو بخش است. بخش نخست آن مربوط می‌شود به تهدید طرفداران آزادی‌ها و وعده بریدن زبان و "زدن سر" این و آن، بخش دوم مربوط است به اظهاراتی که درباره تمامیت ارضی کشور و سخنانی که می‌تواند امنیت ملی ایران را به خطر اندازد. بخش نخست سخنان فرمانده سپاه پاسداران، در بسیاری از مطبوعات داخل کشور انعکاس یافت و در مطبوعات طرفدارا گشایش فضای سیاسی در جمهوری اسلامی، به نقد نیز کشیده شد، که برخی از این نقدها و افشاگری‌هایی که در لابلای آنها وجود داشت را در زیر می‌خوانید. با آنکه بخش دوم سخنان فرمانده سپاه پاسداران در هیچ یک از مطبوعات داخل کشور انعکاس نیافته است، می‌توان حدس زد، که این بخش از سخنان وی در ارتباط با خلیج فارس، سه جزیره و ضرورت درگیری نظامی با نیروهای آمریکایی در این منطقه است. این اظهارات که از آن بوی ماجراجویی‌ها بزرگ به مشام می‌رسد، از هیچ نظر، کم اهمیت تر از بخش اول سخنان فرمانده سپاه پاسداران نیست. آنهایی که فرمانده سپاه را برای این سخنرانی به میدان فرستاده‌اند، اگر نتوانند در داخل کشور چنان تشنجی را دامن بزنند که تعطیل روزنامه‌ها، بگیری و بند و سرکوب جنبش نخستین میوه آن باشد، احتمالاً در اندیشه ماجراجویی در خارج از مرزهای ایران هستند. این دستهای پشت پرده، از طریق به راه انداختن تشنج در مرزهای آبی ایران و به بهانه شرایط جنگی در کشور، می‌خواهند همان نقشه‌ای را در کشور پیاده کنند، که در صورت موفقیت در ایجاد تشنج داخلی بدان دست خواهند زد. همین دستهای پشت پرده که از عدم فرمانبرداری بدنه سپاه پاسداران از فرماندهان وابسته به بازار و ارتجاع مذهبی اطلاع دارند و از به خیابان کشیدن آنها بیم دارند، براین تصورند که در صورت اعلام شرایط جنگی در کشور و تشنج آفرینی مرزی، این انسجام را در نیروهای نظامی بوجود آورده و همزمان با سرگرم شدن واحدهای نظامی به درگیری‌های مرزی، زدن نقاب ضد امپریالیستی و ضد آمریکایی به چهره خویش، بخش‌هایی از این واحدها را در شهرها به خدمت اهداف خود خواهند گرفت. بنابراین، بخش دوم سخنان فرمانده سپاه پاسداران، هرگز اهمیتی کمتر از بخش نخست آن ندارد، و ای بسا پراهمیت تر نیز هست، چرا که مستقیم و یا غیر مستقیم، آگاه و یا نا آگاه در جهت سیاست منطقه‌ای آمریکا و انگلستان عمل می‌کند!

آنچه، از نظر ما محور افشاگریها و بحث‌ها پیرامون بخش افشاء شده سخنان فرمانده سپاه پاسداران است، همانا جدا بودن حساب فرماندهان با بدنه سپاه، میزان آراء محمد خاتمی در مجتمع‌های مسکونی سپاه، همخوانی و حمایت مطبوعات وابسته به شکست خوردگان و طرد شدگان انتخابات ریاست جمهوری از مضمون سخنان فرمانده سپاه پاسداران و تلاش آنها برای تحریک بدنه سپاه و خانواده‌های آنها، علیه دولت خاتمی است، که همگی را در زیر می‌خوانید.

### نطق را چه کسی نوشت؟

نه تنها سخنرانی فرمانده سپاه پاسداران در نماز جمعه (پس از افشای سخنان وی در قم)، بلکه اشارات مطبوعات نیز حکایت از آن دارد، که فرمانده سپاه پاسداران همان اندازه که در جنگ با عراق جنگ آور بوده، در

سخنرانی و فن سخن ناتوان است. بنابراین، باید به این سوال پاسخ داد، که نطق وی در قم را چه کسی نوشته و بدستش داده تا از روی آن بخوانند؟  
نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران، آیت‌الله "مرحومی کرمانی" است، که یکی از اعضای ستاد توطئه علیه دولت خاتمی شناخته شده است. او در جریان انتخابات ریاست جمهوری، فتوایی برای دخالت سپاه به سود ناطق نوری صادر کرد و حتی از قول رهبر جمهوری اسلامی، در جلسه فرماندهان سپاه و بسیج از آنها خواست که به هر طریق که شده ناطق نوری را پیروز کنند!  
جای هیچ تردیدی نیست، که فرمانده سپاه بدون مشورت و یا دستور آیت‌الله "مرحومی کرمانی" چنان نطقی را در جلسه فرماندهان نیروی دریایی نکرده است و آن نطق را اگر "مرحومی کرمانی" نوشته و بدست او نداده باشد، حداقل حامل این نطق از ستاد توطئه برای یحیی صفوی بوده است.  
موضع‌گیریها، پیرامون سخنان فرمانده سپاه پاسداران را در زیر می‌خوانید:

### کودتاجی حکومت را تحویل می‌دهد؟

در ادامه افشاگری پیرامون سخنرانی فرمانده سپاه پاسداران، یک نظر دقیق و یک خبر موزن در روزنامه "سلام" انتشار یافته، که در هر تحلیل و تفسیری باید بدان توجه داشت.

سلام در سرمقاله صفحه دوم شماره ۱۰ اردیبهشت خود، با اشاره، به این واقعیت که کودتاجی خودش داعیه حکومت را در سر پروراند و حکومت را تحویل نمی‌دهد، به حامیان سخنان فرمانده سپاه در جناح طرد شده انتخابات ریاست جمهوری بدستی می‌گوید، که «هیچ نظامی کودتاجی، که در امر کودتا و بدست گرفتن قدرت موفق شده باشد، حکومت را به دیگران واگذار نمی‌کند!»  
این واقعیات آنقدر شناخته شده است، که حتی در مورد کودتای ۲۸ مرداد نیز صدق کرد. حتی تیمور بختیار، که تنها یکی از نظامیان شرکت کننده در کودتای ۲۸ مرداد بود، تا لحظه آخر حیاتش خود را صاحب حکومتی می‌دانست که در اختیار شاه گذاشته بود. سیهبد زاهدی نیز خود را همه کاره می‌دانست و به شاه باج نمی‌داد. حتی شعبان بی‌مخ هم نام خود را "شعبان تاج بخش" گذاشته بود. بنابراین، امثال سرلشکر پاسدار "رحیم صفوی" حتی اگر موفق شوند حمام خون برآوردند، حداقل نامی، که پس از این ماجراجویی برای خویش انتخاب خواهند کرد "ولایت بخش" است!!

سلام می‌نویسد: «... قوای نظامی و مسلح حاصل از چنین فرایندی (عمل کودتایی) پس از بلعیدن دیگران، صاحب تفکر خود را نیز می‌بلند و یا او را تابع خویش می‌کند، که در این صورت صاحب تفکر، تبدیل به صاحب تسلیحات می‌شود و این پایان سقوط است!!»

### بدنه سپاه با فرماندهان نیست!

خبری که "سلام" افشاء می‌کند و یا در واقع مهر تائید بر خبری می‌زند که بیشتر نیز در "راه توده" و به نقل از برخی محافل سیاسی داخل کشور منتشر شده بود، اینست که:

«...ظاهراً فرماندهی محترم سپاه چندان شناختی از برادران محترم عضو سپاه پاسداران ندارند که با چنین قاطعیتی از طرف آنان سخنی را بر خلاف گرایش مسلط در سپاه بیان می‌کنند. نتایج انتخابات دوم خرداد، در یکی از مهمترین و بزرگترین مراکز تجمع اعضای محترم سپاه پاسداران نشان داده است که متوسط آرای داده شده آنان به جناب آقای خاتمی از متوسط آرای کل کشور بیشتر بود. چگونه ممکن است با وجود چنین نیروهای آگاهی در نیروی مسلح، اقداماتی را مطرح کرد که حتی در صورت شروع به اقدام آنها، در نقطه شکست خواهد خورد؟...»

### رهبر چگونه انتخاب شد؟

روزنامه سلام در تاریخ ۲۱ اردیبهشت نوشت که نوار سخنرانی فرمانده سپاه پاسداران را در اختیار دارد و اضافه کرد که به این نوار در یک مرجع قضائی صالح باید رسیدگی شود.

رهبر چگونه انتخاب شد؟ همین روزنامه در همین شماره و در ارتباط با همین سخنرانی، نوشت: چرا وصیت صریح حضرت امام در مورد نیروهای مسلح و از جمله سپاه به بهانه‌های مختلف نادیده گرفته می‌شود، ولی براساس نقل قولی از حضرت امام، کارهای بس بزرگ سامان داده می‌شود؟  
این صریح‌ترین اشاره‌ایست که تاکنون، در ارتباط با نقل قولی از آیت‌الله خمینی، در جریان برگساری علی‌خامنه‌ای بعنوان رهبر جمهوری اسلامی در روزنامه‌ای منتشر می‌شود.

## پاسخ سلام به تفسیرهای "رهبر"!

سلام ۲۱ اردیبهشت، در همین ارتباط، طی سرمقاله‌ای که اشاره به اظهار نظرهای اخیر رهبر جمهوری اسلامی پیرامون خطرات می‌باشد، نوشت:

«... مشکل دیگر این است که عده‌ای تصور می‌کنند همه بدبختی‌ها و انحرافات ما از طرف دشمن و فرهنگ غرب است. مگر صدر اسلام با حضور پیامبر و امیرالمومنین و انصار و مهاجرین امتحان پس داده، فرهنگ غرب و غریزدگی وجود داشت که پس از مدتی محصول گسترش جامعه و تمدن اسلامی، بی‌امیه شدند که یک میوه تلخ آن حجاج ابن یوسف بود که بریدن سرها و زبانه‌ها، مهمترین هدفش بود. این تفکر و منش منفعلانه که همه بدبختی‌ها و پلیدی‌ها را در جامعه خویش به دشمن ربط دهیم نه تنها گره‌ای از کار نمی‌گشاید که به منزله اعلام تسلیم هم هست، زیرا این چه ملتی است که تا این حد اسیر بازی‌های دشمن است؟»

پیامدهای سخنان فرمانده سپاه پاسداران را می‌توان از این نظر نیز مثبت ارزیابی کرد، که اهداف، نیات و موضعگیری بسیاری از افراد و جناح‌ها در قبال مسائل کشور روشن تر و شفاف تر شد.

**تحریک بدنه سپاه - وابستگی و مخالفان تحولات در ایران، پس از موضعگیری‌های سریع و صریح پیرامون سخنان فرمانده سپاه پاسداران، تلاش بسیار کردند تا این موضعگیری‌ها را به گونه‌ای وانمود کنند که هدف تمامی سپاه و بویژه بدنه و خانواده‌های آنهاست. خود همین تلاش نشان داد که بدنه سپاه و خانواده‌های آنها با فرماندهانی نظیر فرمانده سپاه پاسداران نیستند و همسویی با توطئه‌گران ندارند. روزنامه سلام در همین ارتباط و در ادامه سرمقاله‌ای که بخشی از آن را در بالا خواندید، می‌نویسد:**

«... مدافعان سخنان فرمانده سپاه پاسداران، در یک موضع‌گیری شناخته شده، تلاش کردند موج انتقادهای و موضعگیری‌های منطقی علیه سخنان سرلشکر صفوی را به کل سپاه تسری و تعمیم دهند و این انتقادهای را در جهت تضعیف سپاه و قاطبه نیروهای مخلص آن جلوه دهند، تا از این محل و با تحریک احساسات و عواطف دوستداران و اعضای این نهاد انقلابی به منکوب کردن منتقدان بپردازند. در حالیکه هیچ‌یک از مخالفان اظهارات سرلشکر صفوی در موضعگیری‌های خود، مجموعه سپاه را مورد خطاب قرار نداده‌اند.»

در همین ارتباط، روزنامه سلام اشاره به سخنرانی یکی از نمایندگان مجلس در کوی مسکونی سپاه پاسداران می‌کند. این سخنرانی و این تلاش، نه تنها نشان می‌دهد که ارتجاع و بازار نسبت به بدنه سپاه بی‌اعتمادند، بلکه نشان می‌دهد، که توجه به این شکاف برای تمامی نیروهای خواهان تحولات مثبت در ایران تا چه اندازه ضروری است و کسانی که این امر حیاتی را درک نمی‌کنند، تا چه اندازه حتی از هوشیاری و تلاش ارتجاع و بازار برای کسب حمایت این بدنه عقب مانده‌اند!

سلام می‌نویسد: «... چند روز پیش شنیدیم که یکی از معلمین اخلاق جناح راست و نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی، در شب تاسوعای حسینی با حضور در یکی از مجتمع‌های مسکونی وابسته به سپاه پاسداران سخنرانی ایراد کرده و انتقاد به سخنان فرمانده سپاه پاسداران را انتقاد به همه سپاه تفسیر کرده و آنها را به حمایت از خود فرا خوانده است.»

**سانسور بخش دوم سخنرانی فرمانده سپاه -** با اینکه روزنامه‌های غیر وابسته به جناح شکست خورده در انتخابات ریاست جمهوری، اشاره می‌کنند که فرمانده سپاه پاسداران مطالبی در سخنرانی خود عنوان ساخته که تمامیت ارضی ایران را زیر علامت سوال برده است، اما این روزنامه‌ها، هیچکدام تاکنون این قسمت از سخنان فرمانده سپاه پاسداران را منتشر نکرده و تنها خواهان رسیدگی یک دادگاه به نوار این سخنرانی و بویژه این بخش از سخنان فرمانده سپاه شده‌اند. اشارات روزنامه‌های مذکور چنان است، که می‌توان حدس زد، فرمانده سپاه پاسداران درباره خلیج فارس و جزایر آن و همچنین بخش‌هایی از جنوب کشور اظهار نظر کرده است. برای مثال روزنامه سلام، در پاسخ به حمایت سرلشکر فیروز آبادی، رئیس ستاد کل ارتش، از سخنان فرمانده سپاه پاسداران نوشت:

«... حتی سرلشکر فیروز آبادی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح که بنا به گفته خودشان ظاهراً از موضعگیری برخی افراد و مطبوعات در برابر اظهارات فرمانده سپاه جگرشان سوخته است هم در دفاعیات خود از سرلشکر صفوی به این بخش از سخنان وی که در مورد تمامیت ارضی کشور ایجاد ابهام کرده است، هیچ اشاره‌ای نمی‌کند! یعنی همان بخشی که جگر یک ملت و پیشینه تاریخی آنان را می‌سوزاند!

مدافعان اظهارات جناب صفوی در هیچ یک از گفته‌ها و نوشته‌هایشان به طریق اولی، به آن بخش از سخنان فرمانده سپاه هم که آشکارا

دولت را به دست داشتن و هدایت اعتصابات و اعتراضات مردم نجف آباد متهم کرده است، نبرداخته و نگفتند که آیا وی مجاز به طرح چنین اتهام بزرگی علیه دولت می‌باشد یا خیر؟ و اساساً آیا کسی که چنین سخن بر زبان می‌راند مستوجب بازخواست و انتقاد نیست؟

صدام به یک کشور مستقل مثل کویت حمله کرد، به بهانه اینکه روزی روزگاری جزو خاک عراق بوده است. آن وقت شما نه به عنوان یک فرمانده، بلکه به عنوان یک نظامی صحیح است که در رابطه با بخشی از خاک کشور چنان سخنانی را بگویند؟!

## تصمیمات نظامی کجا گرفته می‌شود؟

در جریان افشاگری پیرامون سخنرانی فرمانده سپاه پاسداران، روزنامه سلام، در ستون "السلام" خود و از قول یکی از خوانندگان این روزنامه، که احتمالاً دسترسی به برخی اطلاعات پست پرده را داشته، از جلساتی می‌نویسد که در آنها تصمیمات نظامی گرفته می‌شود. از جمله این جلسات، که نام آنها برده نشده، جلسه ایست که طرد شدگان انتخابات ریاست جمهوری تشکیل می‌دهند. راه توده، بارها در باره "ستاد توطئه" مطالبی را منتشر کرده و در همین شماره نیز افشاگریهائی را در این ارتباط می‌خوانید. سلام از قول تلفن کننده‌ای می‌نویسد:

«... چرا مسائل داخلی است؟ (اشاره به محرمانه بودن جلسه‌ای که فرمانده سپاه در آن نطق کرده) خود این هم خلاف است چون مسائل داخلی هم باید در چارچوب نظام و خط مشی مملکت انجام شود، بنده مثالی می‌زنم: آیا مجمع روحانیون مبارز یا جناح چپ می‌تواند در داخل مجامع داخلی خودش تصمیماتی بر علیه نظام بگیرد و دستور کارهای مسلحانه علیه نظام را صادر کند و آیا می‌شود این مساله خصوصی تلقی شود؟!»

در همین ارتباط، سلام طی سرمقاله‌ای در صفحه دوم خود، از جمله می‌نویسد: «... آیا احتمال نمی‌دهید عده‌ای در پشت پرده نقشه می‌کشند و برخی از این اظهارات ناشیانه برخاسته از همان نقشه‌هاست؟ عده‌ای راه افتاده‌اند و در توجیه سکوت خود، می‌گویند که این اظهارات از سر سادگی و ساده لوحی است که بر زبان آقای صفوی جاری شده است. عجیباً که اگر آقای رحیم صفوی تا این حد ساده لوح است پس در مقام فرماندهی سپاه چه می‌کند؟ اگر فردی در جمع فرماندهان نیروی دریایی سپاه اصل حاکمیت جمهوری اسلامی بر بخشی از سرزمین ایران را زیر سوال برد، می‌توان به بهانه ساده لوحی گوییند از کنار آن با ساده لوحی گذشت؟»

این اشاره ایست به مباحثی که در پشت درهای بسته جامعه روحانیت مبارز و جناح راست جریان دارد!

در همین شماره روزنامه "سلام"، تلفن کننده‌ای به این روزنامه، بدستی درباره سپاه پاسداران و توان ناچیز آن برای دفاع از تمامیت ارضی کشور، در صورت نداشتن پشتوانه مردمی می‌نویسد:

«... آیا واقعا فکر می‌کنید مخفی کردن اظهارات آقای صفوی در مورد تمامیت ارضی کشور از مردم به نفع منافع ملی است؟ باید بدانید تاریخ این مملکت نشان داده است، تنها مردم قادر بودند منافع ملی و تمامیت ارضی کشور را حفظ کنند. وقتی مردم در صحنه نباشند ارتش قدرتمندی چون ارتش شاه هم نتوانست تمامیت ارضی این کشور را حفظ کند. مردم را در جریان قرار دهید!

نشریه "عصرما" ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی:

## آبروی برای شورای نگهبان و قوه قضائیه باقی نمانده!

با نزدیک شدن زمان تجدید انتخابات هیات رئیسه مجلس اسلامی و رفتن به طرف زمان برگزاری انتخابات مجلس خبرگان رهبری، نشانه‌های شکاف در میان جناح‌های متحد راست، برآمدهای آشکاری یافته است. موضع گیری‌های اخیر روحانیون بلند پایه جمهوری اسلامی، نظیر "یوسف صانعی"، "موسوی اردبیلی"، "نیات"، "خلخالی" و... هر یک به نوعی در تشدید شکاف در جناح راست حکومتی نقش داشته است. در داخل "جامعه روحانیت مبارز" که استخوانبندی روحانی جناح راست حکومتی را تشکیل می‌دهد، نشانه‌های شکاف با موضع گیری‌های متفاوت امثال آیت الله جوادی آملی نسبت به ماجراجویی‌ها و توطئه‌های سران ستاد توطئه

«... حتی اگر اعضای مجلس خبرگان را منحصر در روحانیون مجتهد بدانیم، باید راه برای حضور همه آنها در رقابت‌های انتخاباتی باز شود و از این رو تشخیص اجتهاد آنان باید بصورت مالوف و مطابق سنت حوزه‌ها صورت گیرد. در حوزه‌های علمیه ما از قدیم رسم بوده است که مدرسین عالی‌رتبه، اجازه نقل روایت و اجازه اجتهاد را به طلبه‌های فاضل خود می‌داده‌اند و مراتب اجتهاد آنها را طی اجازه‌نامه‌هایی تصویب می‌کرده‌اند. (بنابراین) برگزاری انتخابات از سوی شورای نگهبان برای تشخیص مراتب اجتهاد فضلا بعنوان شرط شرکت در رقابت‌های انتخاباتی، علاوه بر توهین به آنان، بی‌اعتنایی به استاتیوی است که اجازه اجتهاد به طلاب فاضل خود می‌دهند.

اگر بواسطه دور فلسفی و حقوقی، این شائبه پیش بیاید که خبرگان، قبلا مرید به تأییدات رهبری بوده و در نفس الامر، منصوب ایشان هستند، چگونه خواهند توانست به منطق اصل ۱۱۱ قانون اساسی جامعه عمل ببوشانند؟

مطابق آئین نامه اجرائی، که از سوی مجلس خبرگان تهیه شده، هیات هفت نفره‌ای که بر اعمال رهبری نظارت می‌کنند نباید شاغل سمت‌هایی باشند که از جانب مقام رهبری به آنها تفویض شده و یا از بستگان نزدیک وی باشند.

از سوی دیگر، فقهای محترم شورای نگهبان که وظیفه تعیین صلاحیت علمی و سیاسی داوطلبان مجلس خبرگان را به عهده دارند، خود نیز کاندیدای این مجلس هستند و ضمن تعیین صلاحیت رقبای خود، در رقابت‌های انتخاباتی شرکت می‌کنند. در کجای دنیا رسم است که داور مسابقه، خود بعنوان بازیکن نیز وارد صحنه شود؟

به نظر می‌رسد تنها راه شکستن این "دور" تعیین مرجع دیگری غیر از شورای نگهبان برای نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان است و قانون اساسی، این اختیار را به مجلس خبرگان می‌دهد که مکانیزم انتخابات این مجلس را به صلاحدید خود، هرگونه که بخواهند تنظیم نمایند و لذا تعیین کمیته‌ای از میان اعضای خبرگان (یا مدرسین عالی مقام حوزه‌ها) بجای شورای نگهبان اقرب به صواب و دافع شبهات خواهد بود.»

## افشگری‌ها در جمهوری اسلامی

### رهبری به کدام جناح راست گفته بود؟

نشریه "عصرما" در شماره دوم اردیبهشت ماه خود، گزارشی درباره کارشکنی‌های جناح طرد شده در انتخابات دوم خرداد منتشر کرده‌است. در این گزارش، برای نخستین بار تقلب در شمارش آراء خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری افشاء شده و در ارتباط با بازداشت شهردار تهران نیز برای نخستین بار افشاء شده‌است، که خامنه‌ای به دولت (خاتمی) گفته بود که با بازداشت شهردار تهران مخالف است! گزارشی عصرما درباره تقلب در شمارش آراء خاتمی، بخشی از آن گزارشی را تأیید می‌کند که "راه‌توده" در شماره‌های گذشته منتشر شده‌است. مطابق این گزارش‌ها، بین ۲۵ تا ۳ میلیون از رای خاتمی به سود ناطق نوری خوانده شده‌است و او، با توجه به پرونده تقلب بزرگ در انتخابات استان لرستان، که به قوه قضائیه ارجاع شده و همچنین تقلب در شمارش آراء چند شهر مازندران و گیلان، حدود ۲۵ میلیون رای داشته‌است.

در مورد افشای گفته‌های "رهبر" پیرامون عدم موافقت با بازداشت شهردار تهران، اگر این امر صحت داشته باشد و او با هر دو جناح مطابق میل آنها سخن نگفته باشد، قوه قضائیه و دم و دستگاهی که تحت سلطه روحانیت مبارز و متولفه اسلامی است، بی‌اعتنا به موافقت و یا مخالفت "علی خامنه‌ای" آنچه را که بخواهد انجام می‌دهد. در ارتباط با مسئله "ولایت فقیه" و "رهبری" ما بارها نوشته و گفته‌ایم، که جبهه ارتجاع‌بازار تا وقتی از علی خامنه‌ای دفاع خواهند کرد که در خط آنها عمل کرده و سخنگوی آنها باشد!

این دو افشگری بسیار مهم را به نقل از نشریه "عصرما" در زیر می‌خوانید:

### تقلب در شمارش آراء

«... حتی پس از قرائت بیش از نیمی از آراء، یعنی در آخرین ساعات روز دوم خرداد، طبق اطلاعاتی که بلست آمده بود، عناصر تند روی این جناح بر آن بودند تا نتایج انتخابات ریاست جمهوری را به سود نامزد دلخواه خویش دگرگون کنند. عناصر وابسته به طیف مزبور شورای امنیت کشور را بر آن داشتند تا مانع از انتشار نتایج انتخابات، که در آذوقه روز دوم خرداد، کاملا قابل پیش بینی بود، در روزنامه‌های صبح ۳ خرداد ۷۶ شوند. همین عناصر معاون سیاسی وقت وزارت کشور را بر آن داشتند که طی مصاحبه‌ای با صدا و سیما جمهوری اسلامی در ساعت ۲۴ روز دوم خرداد و در حالی که قرائت بخش عمده‌ای از آراء نشانگر پیروزی قاطع و

آشکار شده‌است. ستاد توطئه عمدتا توسط آیت الله کنی، آیت الله خزعلی، حبیب الله عسگرولادی، آیت الله موحیدی کرمانی، آیت الله موحیدی ساوجی، آیت الله یزدی، شیخ واعظ طبسی و... رهبری می‌شود و گروه‌های انصار حزب الله و چاق‌قداران و مهاجمان بعنوان یازوی عملی این ستاد عمل می‌کنند. متحد بلاواسطه این ستاد، "جمعیت متولفه اسلامی" است، که صحنه گردان بسیاری از توطئه‌های کنونی علیه دولت خاتمی است. سران غارتگر بازار، بنیاد مستضعفان، کمیته امداد، بنیاد شهید، تولیت آستان قدس رضوی و... همگی به نوعی در خدمت این جمعیت و توطئه‌هایش قرار دارند. سه روزنامه کیهان، جمهوری اسلامی و رسالت، ارگان‌های مطبوعاتی ستاد توطئه می‌باشند.

نشانه‌های شکاف در این جبهه متحد ارتجاع‌بازار ابتدا در میان روحانیون عضو جامعه روحانیت مبارز بروز کرده‌است، که برخی اعضای آن، به نوعی خواهان جدایی از ستاد توطئه و فاصله‌گیری از بازار و جمعیت متولفه اسلامی است. تمامی فقهای شورای نگهبان قانون اساسی، عضو جامعه روحانیت مبارز می‌باشند.

نشریه "عصرما"، ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، که باید از این فعل و انفعالات سیاسی در جناح راست با اطلاع باشد، در شماره دوم اردیبهشت ماه خود، در این ارتباط می‌نویسد:

«ما به خوبی واقفیم که عناصرعامل و فهمیم جناح راست، اعمال مذکور و فرایند ناشی از آن را تأیید نمی‌کنند و فتنه‌گری‌های این گروه را مالا به ضرر کشور و حتی مصالح جناح راست می‌دانند. ما شنیده‌ایم برخی از عناصر مذکور از ادامه روند کنونی اظهار نگرانی کرده و انجام آن را انزوای کامل جناح خود را در جامعه تحلیل می‌کنند.

عملکرد این بخش از جناح راست در مخالفت کینه توزانه و خصومت سادیسیم گونه علیه خاتمی به پای همه این جناح نوشته شده و انزجار و تنفر جامعه را به همراه داشته‌است.

شورای نگهبان جایگاه خود را از دست داده و نه تنها دیگر به عنوان یک نهاد مقدس از آن یاد نمی‌شود، بلکه متهم به بی‌عدالتی و اعمال اغراض سیاسی است.

اعتبار و وجاهت قوه قضائیه به حلی لطمه دیده‌است که شاید در تاریخ قوه قضائیه کشور بی سابقه باشد. بطوریکه محکوم شدن افراد سیاسی و مدیران از سوی قوه قضائیه از نظر بسیاری از افراد موجب محبوبیت و اعتبار اجتماعی آنان می‌شود. برای اولین بار در کشور، احزاب و گروهها و مطبوعات و نمایندگان مجلس بر وجود شکنجه و آزار و اذیت در هنگام بازپرسی و مراحل تحقیق پرونده شهرداری مهر تأیید زده‌اند و این امر در گزارشات رسمی تأیید شده‌است.

اعتبار و آبروی صدا و سیما به حلی ضربه خورده‌است که این سازمان مضحکه همگان شده‌است.

سپاه و بسیج که در طول سالیان پس از انقلاب در میان مردم مظهر پاکی و حماسه و ایثار بوده‌اند، اکنون به دلیل عملکرد عناصر جناح راست در آن نهادها، در انتظار تصویری نامطلوب ایجاد کرده‌اند.

سرانجام این روند، از هم اکنون قابل پیش بینی است. آثارشستها و خارجی مسلکان جناح راست، برای یک دستمال، در حال به آتش کشیدن قیصریه هستند. آتشی که خشک و تر را خواهد سوزاند و نه از تاک نشان خواهد ماند و نه تاکنشان.

ما را با آن جماعت توطئه‌گر در جناح راست سخنی نیست، زیرا در سلامت آنها تردید داریم و اساسا این گروه را خارج از جمع نیروهای نظام ارزیابی می‌کنیم و اگر از آنها به عنوان بخشی از جناح راست یاد می‌کنیم از باب مسامحه و بدین جهت است که جناح راست از آنها تبری نجسته و نسبت به عملکرد آنها از خود سلب مسئولیت نکرده‌است. سخن ما در درجه اول با عناصر فهمیم و صادق این جناح است که دروغ‌غای حاضر سکوت پیشه کرده و در درجه دوم با بنده این جناح است که در تدین و سلامت آنها تردید نداریم. ما از سر دلسوزی به ایشان می‌گوییم اجازه ندهند گروهی قلیل برای ارضای شهوت قدرت پرستی و انحصار طلبی خود، از جیب ایشان هزینه کنند.»

## انتخابات "مجلس خبرگان رهبری"، چگونه انجام خواهد شد؟

چگونگی برگزاری مجلس خبرگان، کسانی که به این مجلس راه خواهند یافت و جسارتی که این مجلس برای بررسی کارنامه عملکرد رهبری در دوران ۸ ساله اخیر به خویش خواهد بخشید، بزرگترین چالشی است که اکنون در جمهوری اسلامی جریان دارد. نشریه "عصرما"، ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، در شماره دوم اردیبهشت ماه خود، در این ارتباط می‌نویسد:

حماسه دوم خرداد به کلی تحت الشعاع قرار گرفته بود و کشورهای اروپایی نیز سفرای خود را بنا پذیرش شرایط جمهوری اسلامی به ایران باز گردانده بودند و در مجموع چشم انداز کلاملا روشنی برای بهبود روابط ایران و اروپا بوجد آمده بود، یک دفعه یک تبعه آلمانی به اتهام جاسوسی دستگیر شد و زمینه جدیدی برای تجدید بحران در روابط خارجی ایران بوجود آمد. با توجه به مجموع این قرآن، وقتی استقراء می کنیم به این نتیجه می رسیم که بعضی از نیروهای مخالف آقای خاتمی در یک جناح خاص، با توجه به نفوذی که در برخی مراکز حساس مثل مجلس، قوه قضائیه و نیروی انتظامی دارند، خط تنش و تشنج را با هدف تضعیف آقای خاتمی و در نهایت به بن بست کشاندن ایشان در راه تحقق شعارها و برنامه هایشان، درپیش گرفته اند.

در مورد بازداشت شهردار تهران، واقعیت این بود که بحرانی در جامعه بوجود آمد که قوای کشور در قبال آن مواضع هماهنگی نداشتند. قوه مجریه دستگیری شهردار تهران را خطا می دانست و آن را محکوم کرد. بخشی از قوه قضائیه و نه همه آن، بر ادامه دستگیری آقای کرباسچی اصرار داشتند و رئیس قوه مقننه هم آنطور که شنیدیم موافق بودند که آقای کرباسچی بازداشت شود. من مدیریت بحران آقای خاتمی را در این قضیه تحسین می کنم، از این جهت که جایگاه خود را به عنوان رئیس جمهور حفظ کرد، به مجادله و رویارویی مستقیم با نیروهای مخالف خود نپرداخت، هر چند که با صراحت و روشنی موضع خود و دولتش را در این جریان اعلام کرد. یکی از اهداف جناح راست در ایجاد بحران در فضای سیاسی، تاکنون این بوده است که شخص آقای خاتمی را به واکنشهای تند و جدال و درگیری مستقیم با مخالفان بکشاند اما ایشان ضمن اینکه با جدیت در جهت حل بحران تلاش می کردند، از گسترش دامنه تنش و تشنج در جامعه جلوگیری کردند و دعوت ایشان از هواداران دولت برای عدم برگزاری تجمع و راه پیمایی به این مناسبت نیز در همین راستا قابل ارزیابی است.»

سردبیر "عصرما" درباره شکاف در جناح راست گفت:

«... از طرف دیگر، نوع حرکت آقای خاتمی و خویشتنداری و ظرفیت بسیار بالای ایشان در برابر تحركات نیروهای مخالف و همچنین واقعیت های اجتماعی موجود و به علاوه عملکرد سوء و نامطلوب برخی از عناصر تند آن جناح باعث شده که جمعی از نیروهای بدنه جناح مخالف، واقعیتها را درک کنند و به خطا بودن رفتارهایشان پی ببرند. در حال حاضر آثار و علائمی از عدم انسجام و وفات و هماهنگی میان نیروهای جناح مخالف آقای خاتمی با یکدیگر به چشم می خورد. بنابراین تصور من بر این است که در طول این مدت بخشی از نیروهای صادق و فهیم این جناح از وقایع اخیر نگران هستند و از وضعیت بوجود آمده چندان رضایتی ندارند. اما مشکل این است که پرچم این جناح در دست این نیروها نیست و ما باید امیدوار باشیم که این افراد بتوانند پرچمداری این جناح را در اختیار بگیرند و در واقع این جناح را در عرصه سیاسی کشور هدایت کنند.»

روزنامه سلام، در این مصاحبه، سؤالی را مطرح می کند، که نشان می دهد جناح طرد شده انتخابات ریاست جمهوری، در جریان بازداشت شهردار تهران، توصیه های مقام رهبری را نپذیرفته بود. این امر اگر واقعیت کامل داشته باشد، مهر تائید بر همان نظری می زند که راه توده پیوسته بر آن انگشت گذاشته است. یعنی، جبهه "ارتجاع-بازار" تا وقتی از رهبر کنونی جمهوری اسلامی دفاع خواهد کرد و خواهان ولایت مطلقه او خواهد بود، که وی سخنگوی آنها باشد. سلام می پرسد:

«فکر می کنید زمینه برای تحقق چنین درخواستی تا چه حد وجود داشت، آن هم در شرایطی که علیرغم دستور رهبر انقلاب در خصوص هماهنگی سران سه قوه برای مساله آزادی آقای کرباسچی، قوه قضائیه با گذشت یک هفته از این اقدام سرباز زد و در نهایت کار به فرمان مستقیم رهبری در خصوص آزادی شهردار تهران کشیده شد؟»

سردبیر "عصرما": «به نظر من این درخواست قابل اجرا بود و مساله را حل می کرد.»

## نشانه های شکاف در جناح راست!

مرتضی نبوی نماینده مجلس شورای اسلامی در گفتگو با خبرنگاران پارلمانی مطبوعات گفت:

«... دشمنان نظام در صدد هستند تا درگیری و تشنج را در روابطی که می تواند انتقادی باشد به روابط تخریبی تبدیل کنند و با تشدید آن فضا را برای سیاست های خود فراهم نمایند. ما (جناح راست مجلس) برای نشست مشترک با جناح مقابل به منظور تبادل نظر برای حفظ حریم ها و وحدت ملی آماده ایم!»

انکار ناپذیر خاتمی بود، به دروغ اعلام کند، که «رقابت بسیار فشرده است و ممکن است انتخابات به مرحله دوم کشیده شود!» عناصر شبه نظامی وابسته به طیف راست نیز تا ساعت ۳ الی ۴ پامداد ۳ خرداد ۷۶ در میدان ولیعصر اجتماع کرده و در انتظار دریافت فرمان عملیات بودند.

سناریوی فوق، در اثر هوشیاری و آماده باش مردم و فعالین طیف های حامی خاتمی و برملا شدن به موقع سناریو از سوی آنان برای مسئولین عالیترتبه و عزیمت برخی از آنان به ستاد انتخابات کشور، امکان اجرا نیافت و در صبح سوم خرداد ۷۶، صدا و سیما جمهوری اسلامی، اخبار مربوط به نتایج انتخابات را اعلام کرد.»

## دستگیری شهردار تهران

«... مقام معظم رهبری بارها به مسئولان و گروه های سیاسی مختلف فرموده بودند که دستور داده اند آقای کرباسچی بازداشت نشود...»

## پوشش و پاسخ رهبری سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در تهران:

## هرکس ملتزم به قانون است، حق فعالیت سیاسی دارد!

"محمد سلامتی"، دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و "محسن آرمین"، عضو رهبری این سازمان و سردبیر نشریه "عصرما" اخیراً در یک جلسه پرسش و پاسخ مشترک با شرکت طرفداران سازمان و خبرنگاران رسانه های گروهی برپا کردند.

در این جلسه سردبیر نشریه "عصرما" در پاسخ به این سؤال صریح، که «بنظر شما روند آزادی اجزای فقط شامل جریانات به اصطلاح خودی می شود یا خیر؟ گروه های دگراندیش و مخالف را هم در بر نمی گیرد؟ برای مثال نظر خود را در رابطه با ندادن مجوز به نهضت آزادی بیان کنید!» گفت:

«... تقسیم بندی نیروهای سیاسی به خودی و غیر خودی به این معنی نیست که نیروهای غیر خودی و مخالفان قانونی نظام و حکومت حق فعالیت ندارند. نیروهای غیر خودی اما قانون گرا که التزام به قانون اساسی دارند، حق فعالیت دارند. در مورد نهضت آزادی ما بارها نظرم را اعلام کرده ایم و معتقد هستیم که نهضت آزادی به دلیل اینکه اعلام کرده است التزام به قانون اساسی دارد، حق فعالیت دارد و باید به حیات سیاسی خودش ادامه بدهد. حق حیات سیاسی صرفاً مختص و منحصر به نیروهای خودی نیست. نیروهای غیر خودی هم، آنهایی که ملتزم به قانون اساسی هستند، حق فعالیت در این کشور را دارند. این تحلیل ما در مقابل انحصار طلبان است که بجز برای نیروهای معتقد به نظام و در واقع بجز برای خود، برای دیگران حق حیات قائل نیستند... ما در عصر ما بارها تاکید کرده ایم که وظیفه نظام اینست و تلاش نظام باید این باشد که همواره دایره را بازتر بکند. یعنی کاری کند که نیروهای مخالف غیر قانونی به مخالف قانونی تبدیل شوند و نیروهای مخالف قانونی به نیروهای خودی تبدیل شوند و پایگاه مردمی خویش را به تبع دایره مشروعیتش همواره گسترده تر کند. این هنر یک نظام موفق است.» (عصرما شماره ۱۵ اردیبهشت ۷۷)

## جبهه "ارتجاع-بازار" تا کجا طرفدار "علی خامنه ایست؟"

سردبیر نشریه "عصرما" همچنین در مصاحبه ای با روزنامه سلام، که در شماره ۱۳ اردیبهشت این نشریه منتشر شد، در ارتباط با حادثه آفرینی شکست خوردگان انتخابات ریاست جمهوری گفت:

«... حمله به اجتماعات و اماکن مختلف و ضرب و شتم شهروندان، دستگیری افراد و شخصیت ها به بهانه های مختلف، مسائل و حوادث قم و متشنج کردن فضای سیاسی اجتماعی کشور، مساله رد صلاحیت ها در جریان انتخابات میان دوره ای و حمله به تجمع قانونی دانشجویان در دانشگاه تهران و حادثه اخیر که دستگیری شهردار تهران بود، از سواردی است که پیگیری خط ایجاد تنش توسط جناحی خاص را نشان می دهد. به عنوان نمونه ای دیگر، درست زمانی که بازتابهای منفی ماجرای دادگاه میکونوس در اثر نتایج مثبت

## سرنخ گروه های فشار به خارج از کشور وصل است؟

هیات رئیسه مجلس اسلامی و فراکسیون اکثریت این مجلس که وابسته به جناح ارتجاع-بازار است، مخالفت با طرحی را شروع کرده است، که همین مجلس و برای شناسایی گروه های فشار در حال تدوین است. فراکسیون و هیات رئیسه ای که ظرف چند روز طرح یک مرحله ای شدن انتخابات میان دوره ای را تصویب و از تصویب شورای نگهبان قانون اساسی نیز گذراند، برای ممنوعیت چاپ عکس زنان قانون به تصویب رساند و طرح درمانی را با جداسازی زنان از مردان، در عرض چند روز در دستور روز مجلس قراز داد، اکنون ماهه است که در برابر تسلیم این طرح به مجلس مقاومت می کنند. نفس همین مخالفت نشان می دهد که همین فراکسیون و رهبران خارج از مجلس این فراکسیون که در شورای نگهبان و رهبری جمعیت "موتلفه اسلامی" جمع شده اند، خود سازمانده و حامی گروه های فشار است.

بر اساس طرحی که تعدادی از نمایندگان غیر وابسته به فراکسیون اکثریت در تلاش تسلیم آن به هیات رئیسه مجلس جهت در دستور روز قرار گرفتن آن هستند، وزارتخانه های کشور و اطلاعات و همچنین نیروهای انتظامی باید ماهیت گروه های فشار، از جمله گروه انصار حزب الله را بررسی کنند. در این طرح با اشاره به برخی اقدامات گروه های فشار، از سه نهاد ذکر شده در بالا می خواهند تا وابستگی گروه های فشار به جریان های سیاسی داخلی و یا خارج از کشور را بررسی نمایند.

### پرونده گروه های فشار به اول انقلاب باز می گردد!

در این طرح، برای نخستین بار، مسئله وابستگی سران گروه های فشار به خارج از کشور مطرح شده است. راه توده در تحلیل عملکرد ارتجاع-بازار و مقایسه آن با سالهای پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تاکنون بارها نوشته است، که بسیاری از اندیشه ها، عملکردها، نحوه اجرای توطئه ها، که همخوانی و شباهت های بسیاری به حوادث سالهای ۳۰ تا ۳۲ دارد، نشان دهنده برخی ارتباطها و خط گیری ها از خارج از کشور است. بنابراین، همه آنها که درون حکومت و یا خارج از حاکمیت، نگران استقلال کشور هستند، نمی توانند ضرورت تاخیر ناپذیر رسیدگی همه جانبه به مدارک و اسناد مربوط به گروه های فشار، سازماندهندگان آنها و یافتن این ارتباطها با خارج از کشور را انکار کنند!

پرونده گروه های فشار و ارتباط های سازماندهندگان آنها، از ابتدای پیروزی انقلاب باید بررسی شود. از همان زمان که مظفر بقائی، رهبر حزب زحمتکش و "حسن آیت"، عضو مشکوک شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی و همکار و همگان مظفر بقائی در کار سازماندهی این گروه ها نقش فعال داشتند و امتثال "هادی غفاری" برای دورانی عامل اجرائی آنها بود. در تمام سالهایی که انجمن حجتیه در ایران، با هدایت انگلستان و بخش انگلیسی ساواک شاهنشاهی شکل گرفت، مظفر بقائی، در ارتباط و در همکاری با سران انجمن حجتیه عمل کرده بود. در تمام این سالها، سفره معروف به "کشک بادمجان" مظفر بقائی در یکی از تفریحگاه های اطراف کرمان، که در آن سران حجتیه جمع می شدند، در واقع کنگره سراسری حجتیه بود!

مظفر بقائی پس از پیروزی انقلاب، بیشترین نفوذ را توسط ایادی خود در شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی داشت و "حسن آیت" تنها از رابطین او در دستگاه حکومتی بود. بعدها مشخص شد که پسر آیت الله کاشانی، سران کنونی "موتلفه اسلامی" و برخی اعضای کنونی شورای نگهبان (نظیر آیت الله خزعلی) نیز در این سالها با او در ارتباط بوده اند. این ارتباط و نفوذ مظفر بقائی در جمهوری اسلامی به گونه ای بود، که او می توانست بی سرو صدا هر وقت که ضرورت داشت به انگلستان و حتی آمریکا سفر کرده و به ایران بازگردد.

شواهد نشان می دهد، که اطلاعات بسیار با اهمیتی از فعالیت های مظفر بقائی و سازمانها و تشکلهایی که او در سالهای پس از پیروزی انقلاب برپا ساخت در اختیار جمهوری اسلامی است، که در صورت باز کردن پرونده مظفر بقائی، سرنخ بسیاری از حوادث کنونی جمهوری اسلامی نیز در آن یافت می شود. حتی از خاطرات محرمانه مظفر بقائی صحبت در میان است که در بانکهای سوئیس به امانت گذاشته شده تا پس از مرگش قابل دسترسی باشد. تردید نیست که این خاطرات از دید و دسترس سازمانهای اطلاعاتی و جاسوسی جهان (انگلستان، آمریکا، اسرائیل) دور نیست و آنها بخوبی می دانند با چه دوستانی در ایران و در درون نهادهای

جمهوری اسلامی می توانند تماس داشته باشند و روی دوستی و همکاری با آنها حساب باز کنند.

در برخی محافل سیاسی تهران گفته می شود، که طرح قتل آیت الله خمینی نیز از جمله فعالیت های مظفر بقائی و همکاران و مرتبین با او در نهادهای جمهوری اسلامی بوده، که آمریکا و اسرائیل از بیم تصفیه خونین عاملین این قتل، وارد آمدن ضربه بزرگ به شبکه اطلاعاتی امریالیست ها در جمهوری اسلامی و تقویت گرایش به چپ در جمهوری اسلامی، با آن موافقت نکرده و همچنان به نظر خود به نفوذ خزنده و "مرگ سیاسی آیت الله خمینی در حیاتش پای فشرده است.

بزرگترین پرونده های جنایتکارانه و توطئه هایی که سرنوشت انقلاب ۵۷ را به مرحله کنونی رسانده است، در صورت آغاز رسیدگی به مجموعه عملکرد جناح ارتجاع-بازار در جمهوری اسلامی در دستور قرار می گیرد:

- پرونده سازی برای حزب توده ایران (به کمک سازمان جاسوسی انگلستان)، جهت یورش به آن؛

- ترور بزرگترین شخصیت های روحانی، که وابسته به جناح راست نبودند و فراهم ساختن شرایط برای یورش به آیت الله منتظری؛

- انفجار حزب جمهوری اسلامی و انفجار نخست وزیری، که کارآمدترین شخصیت های سیاسی-مذهبی حاضر در دستگاه حکومتی جمهوری اسلامی را به زیر خاک برد؛

- قتل عام زندانیان سیاسی؛

- برکناری آیت الله منتظری؛

- مرگ مشکوک احمد خمینی، بعنوان مطلع ترین فرد از آنچه در بیت آیت الله خمینی گذشت!

و دهها و دهها حادثه دیگر، که ارتباط مستقیم با سرنوشت انقلاب ۵۷ ایران پیدا کرد، همگی در دل آغاز بررسی سرنخ های گروه های فشار و عملکرد جناح راست (ارتجاع مذهبی- بازار) نهان است!

### معاون سیاسی وزارت کشور:

## لایحه حذف نظارت استصوابی در دست تهیه است!

"مصطفی تاج زاده"، معاون سیاسی وزارت کشور است. یکی از دانشجویان فعال در جنبش دانشجویی، بنام "فیروز" که در جریان تظاهرات دانشجویی اخیر در مقابل در دانشگاه تهران دستگیر شده و مدتی در بازداشت بسر برده است، در نامه سرکشاده ای که پس از آزادی از زندان منتشر کرده، ضمن افشای شکنجه هایی که متحمل شده، افساء کرده است، که بازجوها در صدد پرونده سازی برای "تاج زاده" بوده، و او را برای اعتراف های دروغین درباره تاج زاده زیر شکنجه گرفته بودند!

تاج زاده اخیرا در جریان سفر به استان کرمانشاهان، در جمع دانشجویان گفته است:

((... نظارتی که شورای نگهبان بعنوان استصوابی برای خود قائل است، یک نوع حق "وتو" است. خوشبختانه سخنگوی شورای نگهبان نیز اخیرا اعلام کرده که چنانچه مجلس این حق را از این شورا بگیرد ما اصرار بر آن نداریم. به همین دلیل وزارت کشور در صدد تهیه لایحه ای برای تقدیم به مجلس شورای اسلامی در خصوص حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان است.))  
سخنگوی شورای نگهبان، آیت الله احمد جنتی "است و آنچه که تاج زاده" بدان استناد کرده است، بخشی از سخنان جنتی در یکی از نماز جمعه های پس از انتخابات میان دوره ای مجلس اسلامی است.

تاج زاده در همین سفر، در شورای اداری کرمانشاه گفت:

((... متأسفانه گروه اقلیتی در جامعه با توسل به زور سعی دارند به مردم بفهماند که جامعه کنونی ما ظرفیت پذیرش فضای باز سیاسی را ندارد و به هرج و مرج منجر می شود. این اقلیت یک تهدید بالقوه محسوب می شود. از سوی دیگر، طرح شعارهای تند و بی موقع از سوی برخی افراد، در شرایط کنونی بهانه به دست گروه های مخالف می دهد. آنچه دولت در صدد حذف آنست روش های غیر قانونی در جامعه است، ولی هیچ گاه دیدگاههای رقیب را ضعیف و منکوب نخواهد کرد. انتخابات شوراهای شهر و روستائی امسال برگزار می شود و با اجرای این اصل قانون اساسی، برای اولین بار در تاریخ انقلاب، یک تحول کیفی در مدیریت سیاسی کشور بوجود می آید.))

### ۱۸٫۶ درصد بیکاری

در همین نشست، استاندار کرمانشاه گفت: استان کرمانشاهان با ۱۸٫۶ درصد نرخ بیکاری، در این زمینه در صدر استان های کشور قرار دارد.